

معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم (شیخ ابواسحاق کازرونی و شیخ امین الدین بلیانی)

مریم رجبی نیا^۱
مریم حسینی^۲

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۱/۱۰

تاریخ تصویب: ۹۵/۳/۳۱

چکیده

در قرن هشتم هـ ق در خطه کازرون، سه سیرت نامه به قلم محمود بن عثمان، درباره دو عارف نامدار قرن پنجم و هشتم هـ ق در فارس، یعنی شیخ ابواسحاق کازرونی و شیخ امین الدین بلیانی، نوشته، ترجمه و خلاصه شد. با توجه به شناخت اندک و درعین حال، اهمیت کتاب های فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، انوار المرشدیه فی اسرار الصمدیه و مفتاح الهدایه و مصباح العنايه، نبود منبعی جز همین سه اثر درباره احوال نویسنده و نیز شیوه خاص محمود بن عثمان در سیره نویسی، در این مقاله،

^۱. دانشجوی دکتری ادبیات عرفانی دانشگاه الزهراء (س) (نویسنده مسئول). m.rajabinia@alzahra.ac.ir

^۲. استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهراء (س). drhoseini@alzahra.ac.ir

سیمای عارفان و مؤلفان کتاب‌ها در آیین سیرت‌نامه‌ها و ارتباط محمود بن عثمان با شیخ ابواسحاق کازرونی و شیخ امین‌الدین بلیانی روشن می‌شود. پس از آن، سبک نگارش، کاربرد اشعار شعری مختلف در سیره‌ها، باب‌های مشترک، عقاید و مضامین مشترک، جایگاه والای زن، کرامات و نیز نوع و جهت کرامات موجود در سیرت‌نامه‌ها بررسی و مقایسه تطبیقی می‌شود. در پایان، وجوه مشابهت فراوانی در این آثار، به ویژه اشتراک در استفاده پربسامد از کرامات معنوی با جهت‌های مثبت مشترک مانند بی‌تعصبی شیخ درباره مذاهب دیگر به دست می‌آید.

واژه‌های کلیدی: محمود بن عثمان، سیره‌نویسی، فردوس‌المرشدیه، انوارالمرشدیه، مفتاح‌الهدایه و مصباح‌العنایه.

مقدمه

اگر تذکره‌ها را به دو گروه عمومی و فردی تقسیم کنیم، کتاب‌های مقامات یا سیره مشایخ در گروه دوم قرار می‌گیرند. تفاوت تذکره‌های عرفانی فردی مانند اسرارالتوحید با تذکره‌های عرفانی عمومی مانند طبقات‌الصوفیه در این است که به جای معرفی عرفای مختلف به ترتیب زمانی، اقلیمی، موضوعی و...، تنها به بیان احوال و اقوال یک عارف می‌پردازد و بیشتر بر ریاضت‌ها و کرامت‌های وی تأکید می‌شود. آثار محمود بن عثمان، یعنی فردوس‌المرشدیه فی اسرارالصمدیه، انوارالمرشدیه فی اسرارالصمدیه و مفتاح‌الهدایه و مصباح‌العنایه را نیز باید در گروه تذکره‌های فردی قرار داد. او در فردوس‌المرشدیه و انوارالمرشدیه، به بیان احوال و کرامات شیخ ابواسحاق کازرونی می‌پردازد و در مفتاح‌الهدایه، شیخ امین‌الدین بلیانی را با بیانی ساده به خوانندگان اثرش می‌شناساند. نگارندگان در این مقاله، سیمای عارفان و مؤلفان این آثار و نیز ارتباط محمود بن عثمان با شیخ ابواسحاق کازرونی و شیخ امین‌الدین بلیانی را روشن می‌کنند. سپس به بررسی و مقایسه تطبیقی سبک نگارش، کاربرد اشعار شعری مختلف در سیره‌ها، باب‌های مشترک، عقاید و مضامین مشترک، جایگاه والای زن، کرامات و نیز نوع و جهت کرامات موجود

در سیرت نامه‌ها می‌پردازند. با توجه به طولانی بودن و تکرار زیاد نام سه اثر یادشده، در متن مقاله از این آثار با نام‌های کوتاه یعنی فردوس، انوار و مفتاح سخن گفته می‌شود.

پیشینه پژوهش

کتاب‌های مقامات یا سیرت نامه‌های مشایخ، تذکره‌هایی فردی هستند که تنها به بیان احوال و اقوال یک عارف می‌پردازند و بیشتر بر کرامت‌های وی تأکید می‌کنند. در زمینه سیره‌نویسی محمود بن عثمان، معرفی کامل فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه، انوار المرشدیه فی اسرار الصمدیه و مفتاح الهدایه و مصباح العنایه و بیان احوال و اقوال شیخ ابواسحاق کازرونی و شیخ امین‌الدین بلیانی، پژوهشی مستقل انجام نشده و نام محمود بن عثمان نیز در هیچ تذکره‌ای نیامده است. تنها در مقدمه آثار محمود بن عثمان که توسط مصححان آن‌ها نوشته شده، درباره سیرت‌نامه و زندگی عارفان مورد بحث، توضیحات مختصری ارائه شده است. این آثار عبارت‌اند از: «فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه» تصحیح فریتز مایر به کوشش ایرج افشار (۱۳۳۳)، «فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه به انضمام روایت ملخص آن موسوم به انوار المرشدیه فی اسرار الصمدیه» به کوشش ایرج افشار (۱۳۵۸)، «مفتاح الهدایه و مصباح العنایه» تصحیح عمادالدین شیخ الحکامی (۱۳۷۶) و «مفتاح الهدایه و مصباح العنایه» تصحیح منوچهر مظفریان (۱۳۸۰)؛ بنابراین، در این مقاله با کنکاش در آثار محمود بن عثمان، مشایخ مورد بحث و نویسندگان سیرت‌نامه‌ها معرفی شوند. هدف دیگر نویسندگان این است که شیوه نگارش محمود بن عثمان را در مقامات یا سیره مشایخ بررسی کنند و به تحلیل و مقایسه تطبیقی ابواب کتاب‌ها، عقاید و مضامین مشترک و نوع و جهت کرامات در حکایات آثار مذکور بپردازند.

معرفی سیره‌ها

۱. فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه (سیرت‌نامه شیخ ابواسحاق کازرونی)
فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه (سیرت‌نامه شیخ ابواسحاق کازرونی) اقتباس از سیرت‌نامه‌ای به زبان عربی و بنابر گفته صاحب آن، محمود بن عثمان، «مجموعه صفت و

سیرت و معاملات شیخ مرشد» (۱۳۳۳: ۵) است. درباره مؤلف سیرت‌نامه عربی، خطیب امام ابوبکر محمد عبدالکریم بن علی بن سعد که احتمالاً اثرش را در بیست سال پایان قرن پنجم نوشته است، در جای دیگر سخن گفته می‌شود. این کتاب عربی، در قرن ششم هجری وجود داشت و مورد استفاده شیخ فریدالدین عطار در تألیف *تذکره‌الاولیا* قرار گرفت. محمود بن عثمان، در سال ۷۲۸ هـ ق، *فردوس‌المرشدیه فی اسرارالصمدیه* را در کازرون تألیف کرد. وی درباره نامگذاری این کتاب می‌گوید بزرگ‌ترین کتاب درباره سیرت‌های او و شامل همه اسرار الهی مکشوف بر اوست (همان: ۴). چنانکه خود در باب نخست *فردوس* گفته است، کتاب را بدون کم و کاست و البته همراه با افزوده‌هایی، در قرن هشتم به فارسی ترجمه و تألیف کرده است (همان: ۵) و برای مطالبی که افزوده دلالی آورده که حاکی از توجه او به لزوم درک عموم و بهره‌گیری خاص و عام از مطالب عربی خطیب امام ابوبکر و آیات و اشارات کازرونی شیخ مرشد است و نیز به تصحیح اشتباه نساخان، به دلیل فهم‌نشدن سخنان شیخ اشاره دارد (همان: ۵). در مطابقت *فردوس* و *تذکره‌الاولیا*، با توجه به این که تمام روایات و حکایات و سخنانی که در *تذکره‌الاولیا* آمده است، در *فردوس* نیز وجود دارد، یقین می‌یابیم که *فردوس* ترجمه فارسی کتابی است به زبان عربی که عطار در تألیف *تذکره‌الاولی* در دست داشته است. می‌توان گفت فراهم‌آورنده و مترجم *فردوس*، از کتاب عطار استفاده نکرده است؛ چراکه میان سبک بیان و نثر آن دو اختلاف بسیار وجود دارد؛ درحالی‌که در نقل عبارات عربی شبیه به هم هستند. نثر محمود بن عثمان، ترجمه لفظ‌به‌لفظ متن عربی خطیب امام ابوبکر است؛ اما نثر *تذکره‌الاولیا* زیباتر و ادبی‌تر است. مایر بر این نکته تأکید می‌کند که وی در نگارش و ترجمه *فردوس‌المرشدیه* سعی داشت که از متن اصلی عربی دور نشود و اگر در جایی به اجبار نکته‌ای را حذف کرده یا از خود افزوده است، به آن اشاره می‌کند و ترتیب فصول متن عربی را نیز رعایت می‌کند (همان: ده). البته این اثر را نمی‌توان تنها ترجمه نامید؛ زیرا به سخن خود او، نکاتی را در شرح معانی لطیف سخنان شیخ مرشد به متن افزوده است (همان: ۵)، در بیشتر موارد، آیات عربی را به فارسی منظوم ترجمه کرده و دیگر اینکه در *انوارالمرشدیه* خود را مؤلف *فردوس‌المرشدیه* می‌داند (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۴۷۰). این

کتاب ۴۰ باب دارد. باب نخستش در فضیلت شیخ و نیز مولد وی است و باب آخرش در ذکر فضیلت گِل تربت این عارف بزرگ است. به بیان نویسنده فردوس، «این کتاب بر چهل باب نهاده می‌شود به خیر تا این اربعین ذخیره‌ای باشد نویسنده و خواننده و داننده و دریابنده را فی‌الدنیا و الاخرة» (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۶). از وجوه اهمیت کتاب فردوس‌المرشدیه، وجود پاره‌ای از اشعار و جمله‌ها به لهجه‌های محلی کازرونی و شیرازی است. بیشتر ابیات، سروده خود شیخ مرشد است و چون سخنان وی برای مریدانش جنبه تقدس داشته، ناچار به همان لهجه کازرونی در کتاب سیرت‌نامه وی ضبط شده است (همان: شصت و یک). این کتاب به سبب آنکه در شرح عقاید صوفیان و به‌ویژه عارف مشهور، شیخ ابواسحاق کازرونی است، از لحاظ ادبی و تاریخی و جغرافیایی نیز فواید ارزشمند دارد (همان: شصت و شش).

۲. انوارالمرشدیه فی اسرارالصمدیه (گزیده سیرت‌نامه شیخ ابواسحاق کازرونی)

انوارالمرشدیه فی اسرارالصمدیه، گزیده‌ای است از فردوس که محمود بن عثمان آن را به خواهش یاران در سی باب نوشته است و در دیباچه کتاب، خود را مؤلف آن می‌داند (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۴۶۹-۴۷۰). این کتاب، اندکی با فردوس از نظر ترتیب باب‌ها و کم و کسری فصول و حکایات، تفاوت دارد و نیز در عبارات و کلمات آن و استفاده از اشعار، ویژگی‌هایی تازه دیده می‌شود. تاریخ نگارش این کتاب مشخص نیست؛ اما با توجه به اینکه خود را در فردوس، بنده کمینه و در این کتاب مؤلف می‌داند و جملاتش در مقایسه با فردوس، کمی فارسی‌تر و شیواتر شده و اشعار زیادی از خود یا از شعرای پارسی‌زبان در گزیده خود آورده است، می‌توان حدس زد که انوار را با فاصله زمانی زیادی با فردوس نوشته و در این مدت، در شیوه نگارش و مرتبه دانش، به پختگی بیشتری رسیده است.

۳. *مفتاح الهدایه و مصباح العنایه (سیرت‌نامه شیخ امین‌الدین محمد بلیانی)*

مفتاح‌الهدایه و مصباح‌العنایه، گزیده سیرت‌نامه‌ای بزرگ و به زبان فارسی به نام جواهرالامینیه تألیف محمود بن عثمان است که قدیمی‌ترین و دقیق‌ترین منبع در دسترس برای شناخت احوال و عقاید شیخ امین‌الدین بلیانی از مشایخ بزرگ کازرون در قرن هفتم و هشتم هـ ق است. این گزیده، پانزده باب دارد و علاوه بر سیرت‌نامه‌بودن، برای درک تاریخ‌خاندان اینجو و اوضاع اجتماعی فارس در این دوران سودمند است. متأسفانه نسخه‌ای از کتاب جواهرالامینیه در دست نیست؛ اما از اشاره‌های محمود بن عثمان در ابتدا یا انتهای برخی از باب‌ها به این امر اشاره می‌کند که برخی از حکایات یا تربیت‌نامه‌های کتاب مبسوط جواهرالامینیه را برای تبرک در مفتاح آورده است (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۲۷، ۷۱، ۱۵۶، ۱۶۸ و...). براین اساس، به نظر می‌رسد حجم جواهرالامینیه بسیار بیشتر از مفتاح‌الهدایه باشد. به سخن مؤلف، جواهرالامینیه در سال ۷۴۷ هـ ق، یعنی دو سال پس از درگذشت شیخ امین‌الدین تألیف شد و چون در مفتاح، حکایتی مربوط به سه سال پس از فوت شیخ وجود دارد (همان: ۱۹۱)، احتمالاً در حدود ۷۴۸ هـ ق و یک سال پس از جواهرالامینیه نوشته شده است.

معرفی مشایخ

۱. شیخ ابواسحاق کازرونی

ابواسحاق، ابراهیم بن شهریار بن زادن فرخ بن خورشید (۳۵۲-۴۲۶ هـ ق) دارای کنیه ابواسحاق و معروف به شیخ مرشد عارف، شاعر و محدث، از مشایخ صوفیه قرن چهارم و پنجم هـ ق و مؤسس طریقه کازرونیه یا اسحاقیه یا مرشدیه، در سال ۳۵۲ هـ ق در نورد کازرون متولد شد (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۵۸؛ جامی، ۱۳۸۶: ۲۵۴). پدرش، شهریار و مادرش، بانویه بنت مهدی، هر دو پیش از ولادت او اسلام آورده بودند؛ اما جدش، زادن فرخ، همچنان بر دین زرتشتی باقی مانده بود (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۱-۱۲). در نوجوانی به دلیل شرایط نامساعد اقتصادی، به امر پدر مجبور به کار بود؛ ولی هر روز پیش از رفتن به محل کار، نزد استاد بوعلی قرآن می‌آموخت (همان: ۱۴). پانزده ساله بود که به

تصوف گرایید و به دنبال خوابی که دید، از میان طریقت یکی از سه شیخ مشهور آن دوران یعنی حارث محاسبی، ابن خفیف معروف به شیخ اکبر و ابو عمرو بن علی، طریقت ابن خفیف را برگزید (همان: ۱۷-۱۸). ظاهراً در اواخر عمر ابن خفیف، یک چند صحبت او را دریافت و از دست خلیفه او، شیخ حسین اکار خرقة گرفت (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۹؛ سعادت، ۱۳۸۴: ۱۱۸). شیخ ابواسحاق، پس از تحمل بیماری سختی که چهار ماه طول کشید، در سال ۴۲۶ هـ ق در نورد کازرون در گذشت (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۷۵؛ زرین کوب، ۱۳۹۰: ۲۱۷-۲۱۸).

پس از فردوس، نخستین کتابی که به طور مستقل از شیخ ابواسحاق یاد می کند، تاریخ گزیده است که به اشتباه، سال ۴۲۴ هـ ق را تاریخ مرگ وی دانسته است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۶۵۸-۶۵۹).

دومین مأخذ درباره زندگی شیخ، *سیرازنامه* تألیف ابوعباس زرکوب شیرازی است که پس از سال ۷۴۵ هـ ق نوشته شده است. مؤلف *سیرازنامه* می نویسد شیخ ابواسحاق با شیخ ابوسعید ابی الخیر مکاتبه داشته است. مؤلف در ذکر احوال حسین اکار نقل می کند که شیخ ابواسحاق را پدرش در هفت سالگی نزد حسین اکار برد و سپس با اکار به شیراز رفت. در این شهر بود که با ابن خفیف آشنایی و به او ارادت یافت (ابوالعباس زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۳۲).

نفحات الانس جامی، مأخذ دیگری در سرگذشت شیخ است. این امکان هست که جامی در نوشتن سرگذشت شیخ، از تألیف خطیب یا فردوس استفاده کرده باشد. جامی در *نفحات* می نویسد شیخ ابواسحاق در آرای تصوف پیرو شیخ حسین اکار بود و پس از اینکه قرآن را نزد وی فراگرفت، با او به شیراز رفت و در محضر ابن خفیف به استماع حدیث پرداخت (جامی، ۱۳۸۶: ۲۶۰). به قول هجویری، ابواسحاق از محتشمان قوم بود و سیاستی عظیم داشت (۱۳۸۹: ۲۶۲). در شیراز، شیخ ابواسحاق گذشته از خدمت به مشایخ، به شنیدن حدیث نیز رغبت تمام نشان می داد و در کازرون، اوقات شیخ، گذشته از عبادت، صرف وعظ و نشر و تعلیم اسلام می شد. قسمتی از تاریخ حیات شیخ، از حدود سال ۳۷۱ هـ ق صرف مبارزه با زرتشتیان شد و این کار، او را با حکام دیلمی کازرون که احیاناً زرتشتی

۱۳۰ / معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت‌نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم

بودند، درگیر می‌کرد. در سال ۳۸۸ هـ ق، به زیارت کعبه رفت و با آنکه نخست در صدد بود که در همان جا مجاورت اختیار کند، از این کار پشیمان شد و از طریق بصره به کازرون بازگشت. سلسله کازرونیه که منسوب به او بود، پس از قرن‌ها دوام یافت (زرین کوب، ۱۳۹۰: ۲۱۷-۲۱۸). گفته‌اند ابواسحاق همه عمر را به ریاضت گذراند. همچنان که کرامات فراوانی از وی نقل شده است، حکایات بسیاری نیز مبنی بر ریاضت او نقل کرده‌اند؛ از جمله خودداری او از همسرگزینی و صحبت با زنان در تمام عمر (سعادت، ۱۳۸۴: ۱۱۸). با وجود اینکه ظاهراً درباره زنان حسن ظنی نداشت (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۶، ۳۲۷-۳۲۸)، نام چند زن عارف در میان مریدانش به چشم می‌خورد (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۴۰۱). در سفرهایش از بسیاری محدثان حدیث فراگرفت. باب هشتم تا دهم فردوس، حاوی احادیثی است که شیخ مرشد از مشایخ کازرون و شیراز و بصره و مکه و مدینه روایت کرده است (همان: ۴۹-۵۷). به عقیده ما، از اعتقادات شیخ در فردوس برمی‌آید که او بر مذهب اشعری بوده و با استفاده از اعتقادات آنان، خود را از شک و تردید به دور می‌داشته است؛ به‌ویژه که ابن خفیف هم اشعری بود. ابواسحاق در فروع دین هم از شافعی پیروی می‌کرد (همان: بیست‌وشش). بیست‌وچهار هزار نفر از مردم کازرون به دست او مسلمان شده بودند (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۲۹ و ۳۸؛ عطار، ۱۳۴۶: ۷۶۹) و به دلیل مبارزه با کفار، شیخ غازی لقب گرفت (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۸۰-۱۸۵؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۴۴؛ زرین کوب، ۱۳۹۰: ۲۱۸). چندین بار شروع به ساختن مسجد کرد و زردشتیان آن را خراب کردند؛ اما شیخ مرشد آن‌قدر در این امر مهم شکیبایی پیشه کرد تا اینکه زردشتیان از ادامه این کار خسته شدند (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۲۶-۲۷). در *شیرازنامه* درباره سیرت وی آمده است: «محبوب همه ملتی و مقبول همه فرقتی، چون ابراهیم بود در میان اولیا...» (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۴۵-۱۴۶). شیخ ابواسحاق به این نکته معتقد بود که سرنوشت بشر از پیش معین است و به آن تسلیم خواهد بود. او عقیده داشت که تنها به مدد نور دل می‌توان به درک ذات خداوند نائل شد (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۲۹). عطار در *تذکره‌الاولیاء* در ذکر او می‌گوید:

«آن مشتاق بی اختیار، ابواسحاق شهریار رحمة الله علیه، یگانه عهد بود و نفسی مؤثر داشت و سخنی جانگیر و صدقی به غایت و سوزی بی نهایت و در ورع کمالی داشت و در طریقت دوربین و تیزفراست بود... و تربت شیخ را تریاک اکبر گویند، از آنکه هر چه از حضرت ولی طلبند، حق تعالی به فضل خود آن مقصود روا گرداند (عطار، ۱۳۴۶: ۲۴۴-۲۵۴).

۲. شیخ امین الدین محمد بلیانی

شیخ امین الدین محمد بلیانی، در روستای بلیان از توابع کازرون به دنیا آمد (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۵-۶). تاریخ دقیق ولادتش معلوم نیست؛ اما چون محمود بن عثمان در مفتاح می گوید هنگام وفات ۷۷ سال داشت (همان: ۱۸۹)، احتمالاً باید در سال ۶۶۸ هـ ق متولد شده باشد. پدرش زین الدین علی، پسر خواجه امام الدین مسعود بلیانی و مادرش دختر زاهد عزالله، از مریدان خواجه امام الدین مسعود بود و از سوی همسرش، شیخ علی، مادر مؤمنان لقب یافته بود (همان: ۵-۶). در هشت سالگی قرآن را نزد شیخ الاسلام نورالدین فراگرفت (همان: ۷) و از همان دوران با حمایت و تدریس پدر و عمویش، شیخ اوحدالدین عبدالله، با ذکر و ریاضت و دانش همراه شد (همان: ۷-۸). استادان دیگر او، فقیه عثمان کهنی در فقه و مولانا رشیدالدین احمد در حدیث بودند (همان: ۸). در دوازده سالگی برای تحصیل به شیراز رفت (همان: ۷-۸). در چهارده سالگی نزد عمویش تلقین ذکر یافت (همان: ۱۴) و پس از مدتی از او خرقة گرفت (همان: ۱۸؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۹۴). در کازرون خانقاهی بنا کرد و به تدریس و تربیت مریدان پرداخت (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۹۴-۱۹۵). در چهل و دو سالگی «چهل درویش سالک صاحب تجرید» در خانقاه علیا داشت (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۴۵) و به گفته صاحب شیرازنامه «آوازه کمالیت ذات و صیت حسن ارشاد و بزرگواری او جهانگیر گشت» (زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۴۶-۱۴۷). به دلیل ارادت به شیخ ابواسحاق، عمارت های زیادی مانند سقایه مرشدی در شرق مسجد جامع مرشدی، دارالشفای مرشدی، دارالحدیث شمسیه، دارالعابدین و... به نام او بنا کرد (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۱۶۶ و ۱۷۳). سلاطین آل اینجو برایش ارزش و مقام خاصی قائل بودند. شرف الدین محمودشاه از دوستان او (همان: ۶۵) و فرزند محمودشاه،

۱۳۲ / معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت‌نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم

جلال‌الدین مسعودشاه از مریدانش بود (همان: ۵۵). نامه‌ای که جلال‌الدین مسعود شاه اینجو در جواب تعزیت‌نامه شیخ‌الاسلام می‌نویسد، نشان‌دهنده ارزش و اعتبار شیخ نزد امیر کازرون است. این نامه، تنها در کتابخانه مجلس موجود است و عمادالدین شیخ‌الحکمایی، متن کامل آن را در کتاب خود آورده است (همان: سی و یک و سی و سه). شیخ امین‌الدین مورد احترام شعرا و عرفای همدوره‌اش مانند خواجوی کرمانی، حافظ و بابا رکن‌الدین شیرازی بود؛ برای مثال، حافظ در یکی از قطعاتش او را بقیه ابدال خوانده است:

دگر بقیه ابدال، شیخ امین‌الدین که یمن همت او کارهای بسته گشاد

(حافظ، ۱۳۶۹: قطعه ۷)

خواجوی کرمانی هم در مثنوی گل و نوروز از امین‌الدین به بزرگی یاد می‌کند (۱۳۷۰: ۲۶۹-۲۷۲). عرفان او بیشتر نزدیک به زهد عرفای قرون نخست پس از اسلام است و این نکته را از توجه او به زهد، ریاضت، خلوت نشینی، برپایی نماز اول وقت و ارزش نهادن بسیار برای ذکر و تأکید او بر این موضوعات در باب‌های مختلف می‌توان دریافت. به دلیل ارادتی که شیخ امین‌الدین به شیخ ابواسحاق داشت، بناهایی که به نام او ساخته بود و اشعاری که در مدحش سروده بود، او را از عرفای طریقت کازرونیه یا مرشدیه می‌دانند (صفا، ۱۳۶۶: ۸۷۲)؛ اما با توجه به سخنان و اعتقادات او که در *مفتاح‌الهدایه* آمده، گمان می‌رود که صاحب طریقتی جداگانه باشد. طریقت او از سویی بر پایه زهد و از سویی دیگر بر عشق و محبت استوار است. به سخن محمود بن عثمان و صاحب *شیرازنامه*، شیخ‌الاسلام سرانجام در سال ۷۴۵ هـ ق در کازرون درگذشت و در خانقاه علیا واقع در کوهستان شمالی کازرون که خود آن را بنا کرده بود، به خاک سپرده شد (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۱۸۴-۱۸۹؛ زرکوب شیرازی، ۱۳۵۰: ۱۹۵).

آثار او عبارت‌اند از: ۱. *بدایه‌الذکرین* که رساله‌ای است در آداب و فضیلت ذکر که نسخه خطی قابل دسترسی ناتمامی از آن، کتابت‌شده به سال ۱۲۲۵ هـ ق، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود؛ ۲. *تربیت‌نامه‌ها* که شامل مطالبی در آداب خلوت نشینی است و برای مریدانش نوشته شده است. یک نمونه از این *تربیت‌نامه‌ها* در باب هفتم *مفتاح‌الهدایه* آمده است (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۲۷-۳۶) و در آنجا مؤلف

تأکید می‌کند که تمام تربیت‌نامه‌ها را در کتاب *جوهر* و یکی از آن‌ها را برای تبرک در این کتاب آورده است (همان: ۲۷) و ۳. دیوان اشعار که با تصحیح کاووس حسن‌لی و محمد برکت در سال ۱۳۸۷ توسط انتشارات فرهنگستان هنر به چاپ رسیده است.

یکی دیگر از مریدان او، زرکوب شیرازی، مؤلف *شیرازنامه* نیز کتابی در شرح احوال و سخنان شیخ نوشته بود که اکنون در دست نیست و شاید بتوان گزیده‌ای از آن را در *شیرازنامه* یافت (سعادت، ۱۳۸۴: ۵۳۸). قدیمی‌ترین و مهم‌ترین منبع قابل دسترسی برای شناخت احوال و عقاید شیخ امین‌الدین محمدبن علی بن مسعود بلیانی، معروف به شیخ الاسلام، عارف و شاعر و عالم قرن هفتم و هشتم هـ.ق، کتاب *ارزشمند محمود بن عثمان* یعنی *مفتاح الهدایه و مصباح العنایه*، برگزیده *جوهرالامینیه* است.

معرفی سیره‌نویسان

۱. خطیب امام ابوبکر

خطیب امام ابوبکر، مؤلف *سیرت‌نامه شیخ ابواسحاق* به زبان عربی است که درباره زندگی او جز کتاب *فردوس*، منبع دیگری وجود ندارد. شیخ ابواسحاق از یاران و نزدیکان خطیب ابوالقاسم عبدالکریم، پدر خطیب امام ابوبکر محمد بود. ابوبکر را از کودکی می‌شناخت و بنابر سخن خطیب امام ابوبکر از همان دوران کودکی مقام و منزلت او را در آینده پیش‌بینی کرده بود (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۳). پدر امام ابوبکر، مردی عالم و نخستین جانشین شیخ مرشد بود که پس از وفات او پانزده سال در مقام خلافت باقی ماند (همان: ۳۸۳). در باب سی و چهارم *فردوس*، یعنی در ذکر اسامی خلفا و اصحاب شیخ مرشد، از قول شیخ آمده است که «خطیب ابوالقاسم عبدالکریم کارهای دنیا نمی‌شناسد و نمی‌داند؛ ولیکن علم نیک می‌شناسد و نیک می‌داند (همان: ۳۸۹). پس از او، خلافت به فرزندش، خطیب امام ابوسعید واگذار شد و شانزده سال بعد، برادرش خطیب امام ابوبکر یعنی مؤلف *سیرت‌نامه شیخ ابواسحاق کازرونی*، به مدت چهل و چهار سال خلافت کرد (همان: ۳۸۲-۳۸۳). فریتز مایر پس از محاسبه و دقت در زمان حیات خویشاوندان امام ابوبکر، تاریخ

۱۳۴ / معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت‌نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم

در گذشت او را ۵۰۵ هـ ق می‌داند (همان: یک). امام ابوبکر در کازرون وفات یافت و در مشهد خطبا به خاک سپرده شد (همان: ۳۸۳).

از مطالب فردوس برمی‌آید که خطیب امام ابوبکر دارای اطلاعات گسترده‌ای درباره مسائل مختلف از جمله عقاید صوفیان بوده است.

۲. محمود بن عثمان

محمود بن عثمان در کازرون زندگی می‌کرد (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۴۴۱، ۴۴۵ و ۴۵۷) و یکی از درویش بود (همان: ۴۵۶). علاوه بر فردوس، *انوار و مفتاح*، کتابی جامع و بزرگ نیز به نام *جواهرالامینیه* در سیرت امین‌الدین نوشت (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۲) که در جای‌جای *مفتاح‌الهدایه*، به این نکته که مطالب آن تنها مختصری از *جواهرالامینیه* است، اشاره می‌کند (همان: ۱۵۶ و ۱۹۰). کتاب دیگری هم به نام *جامع الدعوات لأهل الخلوات*، شامل دعاهایی که شیخ‌الاسلام پس از نماز صبح می‌خواند، در ده باب نوشت هیچ نسخه‌ای از آن در دست نیست (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۲۱۴-۲۱۵). مرید و خادم امین‌الدین بلیانی بود و تا لحظه وفات این شیخ بزرگ در کنار او به سر می‌برد (همان: ۱۸۳-۱۸۴). در جوانی با جمعی از درویشان از همدان به بغداد سفر کرد (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۸۳)، قبل از سال ۷۲۸ هـ ق از بصره به بغداد رفت (همان: ۴۶۱) و مدتی نیز در قریه فلهو از نواحی فیروزآباد بود (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۲۰). محمود بن عثمان عربی را خوب می‌دانست و اهل مطالعه بود (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۳). بسیار متواضع بود و دلیل چنین ادعایی، استفاده از ترکیب «بنده کمینه» است که در جای‌جای کتاب‌هایش به‌ویژه در *مفتاح* درباره خود به کار برده است (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۱۰، ۱۴ و...؛ محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۴ و...). همچنین اظهار وی مبنی بر بی‌بهره بودن از مقامات اهل حقایق و نداشتن جرئت برای ترجمه فردوس را می‌توان از دیگر نشانه‌های فروتنی وی به حساب آورد (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۳). محمود بن عثمان، نویسنده، مترجم و اهل دانش بود. سیرت‌نامه‌ای را که خطیب امام ابوبکر به عربی نوشته بود، بدون کاستی و البته همراه با تغییرات و افزوده‌هایی ترجمه کرد (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۴-۵). شاعر بود و در

فردوس، برخی از اشعار عربی یا کازرونی موجود در متن سیرت‌نامه عربی را به فارسی منظوم درآورده و پس از ابیات عربی و کازرونی درج کرده است. همچنین احتمال می‌رود برخی از ابیات دیگری که در فردوس، انوار و مفتاح آمده ولی شاعر آن‌ها نامعلوم است، با توجه به شباهت سبکی به ابیات ترجمه شده، سروده محمود بن عثمان باشد. در کتاب مفتاح نیز به عنوان ترجمه برخی ابیات و عبارات عربی، بیتی فارسی می‌آورد (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۱۰۷، ۱۳۴ و...). مریدان، او را به نام نگارنده سیرت شیخ الاسلام می‌شناختند (همان: ۲۰). او فردوس‌المرشدیه را به سال ۷۲۸ هجری در کازرون نوشت و مدتی بعد به اصرار یاران خلاصه‌ای از آن را در سی باب فراهم کرد (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۴۷۰). افزایش آگاهی و دانش مردم برایش ارزشمند بود و خود گفت که برگرداندن سیرت‌نامه شیخ ابواسحاق کازرونی از عربی و کازرونی به فارسی برای بهره‌یافتن خاص و عام از این کتاب شریف است (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۵). نگارش کتاب‌های *انوار* و *مفتاح* نیز نشان‌دهنده علاقه او به خلاصه‌نویسی است.

رابطه محمود بن عثمان با شیخ ابواسحاق کازرونی و شیخ امین‌الدین بلیانی

همان‌طور که در بخش معرفی محمود بن عثمان ذکر شد، وی مرید و خادم امین‌الدین بلیانی بود و تا لحظه وفات این شیخ بزرگ در کنار او به سر می‌برد (همان: ۱۸۳-۱۸۴). امین‌الدین نیز از پیروان و دوستان شیخ ابواسحاق کازرونی بود و بناهای زیادی به نام او ساخت (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: هشت). ارادت شیخ امین‌الدین بلیانی به شیخ ابواسحاق کازرونی چنان بود که محمود بن عثمان، باب دوازدهم *مفتاح* را به ارتباط و اتحاد شیخ الاسلام با روح مقدس شیخ مرشد و عماراتی که به اشارت شیخ مرشد ساخته، اختصاص داده است. محمود بن عثمان در *مفتاح* می‌گوید: «شجره خرقه شیخ الاسلام به سلطان العارفین شیخ مرشد ابواسحاق ابراهیم ابن شهریار کازرونی می‌رسد» (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۲۰). این موضوع یکی از دلایل ارادت شیخ امین‌الدین بلیانی را به شیخ مرشد و ساختن بناهای مختلف به نام او را روشن می‌سازد. محمود بن عثمان آنجا که درباره ساخت عمارت سقاییه مرشدی توسط شیخ امین‌الدین بلیانی توضیح می‌دهد، سخن شیخ

۱۳۶ / معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت‌نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم

عمر کارزیاتی را نقل می‌کند که گفته بود سی سال پیش، شیخ مرشد در این جایگاه که عمارت سقایه در حال ساخته شدن است، به من گفت که در اینجا کسی مسجد جامعی خواهد ساخت که همه مرید و دوستدار او هستند (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۱۶۵). عماراتی که شیخ امین‌الدین به اشارت شیخ مرشد ساخت، عبارت‌اند از: سقایه مرشدی (همان: ۱۶۵ و ۱۷۳)، مسجد جامع مرشدی (همان: ۱۶۸)، عمارت خان کمارخ (همان: ۱۷۰)، دارالشفا مرشدی در جوار مسجد جامع مرشدی (همان: ۱۷۳)، دارالحدیث شمسیه (همان: ۱۷۳)، عمارت دارالعبادین که مکانی بود برای غریبان و مسافران و نیز برای خواندن اوراد و اذکار (همان: ۱۷۳) و خانقاه علیا (همان: ۱۷۵). محمود بن عثمان صفحاتی از باب دوازدهم *مفتاح‌الهدایه* را به برشمردن فضایل این خانقاه اختصاص داده است. گاهی این فضایل اغراق‌آمیز است؛ برای مثال، در جایی سخن درویشی نقل می‌شود که در خواب دید خانه‌ای مربع با جامه سیاه گرد خانقاه می‌گردد و کسی به او می‌گوید این خانه کعبه است که طواف خانقاه می‌کند (همان: ۱۷۷). محل تولد و عبادتگاه شیخ مرشد در همان جایگاهی بود که خانقاه علیا توسط شیخ امین‌الدین ساخته شد (همان: ۱۷۵-۱۷۶).

محمود بن عثمان درباره قربت و اتحاد شیخ‌الاسلام با شیخ مرشد، حکایتی از قول ابوبکر بن محمد ابوحامد که به اعتقاد وی مردی صالح و با تقوا بود، نقل می‌کند که چنین است: «شبی به واقعه دیدم که شخصی بیامدی و گفتی: اینک شیخ مرشد در میان مسجد جامع ایستاده است، بیا و او را زیارت کن. چون برفتم و از عقب شیخ مرشد نگاه کرد، قد و صورت و هیئت شیخ‌الاسلام داشت. در شک افتادم و در خاطرم پدید شد که شیخ مرشد است. در حال شیخ مرشد - قدس الله روحه العزیز - روی بازپس کرد. گفت: یا ابوبکر! هیچ شک در خاطر میاور که صورت و معنی خود به شیخ امین‌الدین بخشیده‌ایم و میان ما و او هیچ دویی نیست، بلکه یگانگی است» (همان: ۱۷۲). بنابر دلایلی که ارتباط عمیق شیخ امین‌الدین را به شیخ مرشد نشان می‌داد، شاید بتوان گفت ارادت مراد محمود بن عثمان به شیخ ابواسحاق، یکی از دلایلی بود که موجب ترغیب محمود بن عثمان به ترجمه فردوس شد.

شیوه سیره نویسی محمود بن عثمان

۱. نثر فردوس المرشدیه، انوار المرشدیه و مفتاح الهدایه

مطابق تقسیم بندی انواع دوره های سبکی از نظر شمیسا، قرن هشتم، قرنی است که در آن آثار ادبی هم به نثر مرسل و هم به نثر فنی نوشته می شدند (۱۳۹۰: ۱۸). آثار محمود بن عثمان که در این قرن پدید آمده اند، از نوع تذکره های فردی یا سیره مشایخ اند. ویژگی کلی کتاب های مقامات یا سیره مشایخ این است که بر بیان ریاضت ها، کرامات، احوال و اقوال مشایخ و حکایات مربوط به آنان، تأکید و از این میان به نقل کرامات و خوارق عادات، توجهی خاص کرده است. نثر این کتاب ها از نوع نثرهای تبلیغی متصوفه است و مخاطب آنان بیشتر عوام اند (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۷۲)؛ بنابراین، چنین کتاب هایی نثری ساده و خالی از تکلف دارند. سبک نگارش سه سیرت نامه فردوس، انوار و مفتاح نیز که محمود بن عثمان آن ها را در قرن هشتم هجری نوشت، تقریباً یکسان، ساده، نزدیک به نثر بینابین است و به ویژه در فردوس المرشدیه که ترجمه و اقتباسی است از سیرت نامه ای عربی، از نثر عربی تأثیر پذیرفته است. وجود ویژگی هایی مانند تقلید از نثر تازی، آوردن شواهد شعری، آیه و حدیث و نیز جملات و عبارات عربی، نثر محمود بن عثمان را به نثر بینابین نزدیک می کند که البته به عقیده شمیسا آن را هم باید جزء نثرهای مرسل به شمار آورد (۱۳۹۰: ۶۶). از جمله ویژگی های فردوس این است که نویسنده، ابیات و جملات کازرونی شیخ مرشد را که کاتبان و ناسخان به سبب ناآگاهی، آن ها را تحریف کرده بودند، تصحیح کرده و برای خواننده شرح داده است. از ویژگی های دیگر این کتاب که در تذکره های فردی کمتر دیده می شود، نقل بخش هایی از مجالس شیخ، تأویل آیاتی از زبان شیخ و بیان سؤال های مریدان از شیخ و پاسخ وی به آن پرسش هاست (غلامرضایی، ۱۳۸۸: ۲۱۷-۲۱۸). گزیده فردوس یعنی انوار، در مقایسه با کتاب مبسوط، ادبی تر، فارسی تر و به نثر بینابین نزدیک تر است و در آن ابیات فارسی بیشتری متناسب با موضوع متن استفاده شده است. در هر سه کتاب، تعدادی واژه و ترکیب تازه که به احتمال زیاد محمود بن عثمان آن ها را ابداع کرده است، به چشم می خورد که از آن میان می توان به واژه «امن گاه» در

۱۳۸ / معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت‌نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم

هر سه کتاب اشاره کرد (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۴؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۰۰؛ محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۲۲، ۸۱).

از ویژگی‌های نثر ساده و بینابین که در هر سه کتاب مشترک است، می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

الف) کوتاهی جملات

«پس شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز خرقه بستد و بوسه داد و بر چشم گرفت و پوشید» (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۲۱).

ب) تقدیم فعل بر اجزای دیگر جمله

«شفتتم از فقیه محمد بن حسن که گفت:....» (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶۱).

ج) تکرار افعال

«ابوسعید عالم حاضر بود و او از خراسان بود و عالم و فاضل بود» (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۰).

د) جمع بستن جمع‌های عربی

«همه ارکانان مملکت متحیر شدند از کرامات شیخ مرشد» (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۷).

ه) وجود بای تأکید بر سر فعل ماضی

«یک کلنگ و یک بیل بخریدم. برفتم به پیش والده واحوال با وی بگفتم (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۱۶۶).

و) به‌کاربردن بای استمراری در آخر ماضی ساده

«هرکس او را قرضی و مهمی بودی، از وی بخواستی» (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۷۴۹).

۲. بررسی اشعار موجود در فردوس المرشدیه، انوار المرشدیه و مفتاح الهدایه

اشعار موجود در فردوس المرشدیه

بیشتر اشعار در فردوس به عربی سروده شده‌اند و محمود بن عثمان در بیشتر موارد به نام شاعر که معمولاً یکی از عرفای مشهور مانند ذوالنون مصری (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۸۵

۸۸ و ۲۰۶)، یحیی معاذ رازی (همان: ۲۲۹)، ابوالفتح بستی (همان: ۲۶۱) و... است، اشاره می‌کند. بررسی فردوس نشان داد که بیشتر اشعار فارسی این کتاب، ترجمه منظوم ابیات عربی موجود در سیرت‌نامه عربی امام خطیب ابوبکر (همان: ۲۲۹، ۲۳۲، ۲۳۳ و ۳۷۳) یا ترجمه ابیاتی است که شیخ مرشد آن‌ها را به لهجه کازرونی سروده یا برای دیگران خوانده است (همان: ۳۶۷-۳۷۱). به احتمال زیاد، این ترجمه‌های منظوم که پس از ابیات عربی و کازرونی، لفظ به لفظ، خالی از خیال‌انگیزی و بدون استفاده از آرایه‌های ادبی آمده‌اند، به دلیل وجود واژه «معنی» یا «فارسی» قبل از آن‌ها و نیز با توجه به شباهت سبکی متن با ابیات، سروده محمود بن عثمان هستند؛ برای نمونه، دو بیت عربی سروده یحیی معاذ رازی و بیتی به لهجه کازرونی که بنا بر گفته محمود بن عثمان، شیخ مرشد آن را هنگام خوش‌وقتی، بسیار می‌خواند، به همراه ترجمه‌های منظوم فارسی آن ابیات آورده می‌شود:

و دُنُوبِی مَعَ الرَّجَاءِ بِلَايِی	أَصْبَحَ الْعَفْوُ مِثْلَ رَجَائِي
و رَسُولِي إِلَى الْحَيْبِ دَعَائِي	و سِلَاحِي عَلَى الذُّنُوبِ بُكَائِي

فارسی:

با رجا جرم من بلای من است	از تو عفو و کرم رجاى من است
بر تو پیغام من دعای من است	ساز من بر گناه، گریه بود

(همان: ۲۲۹)

دلی دو مهر نورزت	دو دل فقه دلی بُبوت
------------------	---------------------

المعنى

دلی دو، دوستی هرگز نورزد	دو دل در یک شکم هرگز نباشد
--------------------------	----------------------------

(همان: ۳۶۷)

محمود بن عثمان در فردوس از کتب شعرای عارفی نظیر آثار عطار مانند *اسرارنامه* (همان: ۲۳۵)، *منطق الطیر* (همان: ۴۴۰) و *خسرونامه* (همان: ۳۶۸) و نیز *دیوان سنایی* (همان: ۳۰۴) و *غزلیات سعدی* (همان: ۳۷۴) استفاده کرده است که تعدادشان در مقایسه با اشعار عربی اندک است.

اشعار موجود در انوارالمرشدیه

در انوار برخلاف فردوس‌المرشدیه، اشعار عربی و کازرونی، جز ابیات مندرج در باب بیست‌ویکم (ذکر ابیاتی که شیخ ابواسحاق آن‌ها را خوانده یا شنیده است)، دیده نمی‌شود. البته محمود بن عثمان ترجمه منظوم این ابیات را نیز پس از اصل عربی یا کازرونی آن آورده است. در انوار بسیار بیشتر از فردوس اشعار فارسی به چشم می‌خورد. محمود بن عثمان در این کتاب، از آثار مختلف شعرای فارسی زبان استفاده کرده که از آن میان، آثار سه شاعر را بیش از آثار دیگر شعرا به کار برده است. این آثار به ترتیب و فور استفاده عبارت‌اند از:

الف) آثار شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی

- بوستان (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۴۸۶، ۴۹۲، ۵۲۲، ۵۲۸، ۵۳۴، ۵۵۲، ۵۵۶، ۵۵۹، ۵۷۱، ۵۷۷، ۵۸۱، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۹۰، ۵۹۷، ۶۰۰، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۹، ۶۱۰ و ۶۱۱)

خورش ده به گنجشک و کبک و حمام که یک روزت افتد همایی به دام
چو هر سوی تیر نیاز افگنی امید است ناگه که صیدی زنی^۱
(همان: ۵۵۲؛ سعدی شیرازی، ۱۳۵۹: ۹۴)

- گلستان (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۱۰، ۵۱۳، ۵۲۷، ۵۳۵، ۵۳۹، ۵۴۵، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۴، ۵۶۶، ۵۷۲، ۵۷۴، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۸۱، ۵۸۴، ۵۸۶، ۵۸۸، ۶۰۱، ۶۰۴، ۶۰۵ و ۶۰۷)

چو انسان را نباشد فضل و احسان چه فرق از آدمی با نقش دیوار^۲
(همان: ۵۴۷؛ سعدی شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵۹)

- دیوان سعدی (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۳۲، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۸، ۵۴۲، ۵۴۴، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۴، ۵۵۶، ۵۶۶، ۵۷۶، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۷ و ۵۹۹)

خدایا به حق بنی فاطمه که بر قول ایمان کنی خاتمه
اگر دعوتم رد کنی یا قبول من و دست و دامان آل رسول
(همان: ۵۹۱؛ سعدی شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۰۴)

استفاده فراوان محمود بن عثمان از آثار سعدی در این کتاب و نیز قرار داشتن نام سعدی در *شداالازار فی حطالاوزار عن زوارالمزار* و ترجمه فارسی آن، تذکره هزار مزار که سعدی را به عنوان یکی از افاضل صوفیه معرفی می کنند، بیانگر جایگاه والای سعدی در میان عرفای آن زمان است (شیرازی، ۱۳۶۴: ۴۴۷-۴۴۸).

ب) آثار فریدالدین عطار نیشابوری

- *منطق الطیر* (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۶، ۵۸۷، ۵۹۶ و ۶۷۳)

گر یک انصاف از تو آید در وجود به که سالی در رکوع و در سجود^۳
(همان: ۶۷۳؛ عطار نیشابوری، ۱۳۷۵: ۱۸۳)

- *دیوان عطار* (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۳۳ و ۵۷۵)

دل ز جان برگیر تا راحت دهند هر دو عالم را به یک آهت دهند^۴
(همان: ۵۷۵؛ عطار نیشابوری، ۱۳۶۲: ۲۵۴)

- *اسرارنامه* (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۹۴ و ۶۲۶)

اگر آلوده ای، پالوده گردی اگر پالوده ای، آسوده گردی^۵
(همان: ۶۲۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۴: ۶۰)

- *الهی نامه* (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۶۸۰)

اگر پیش از اجل یک دم بمیری در آن مردن دو عالم را بگیری^۶
(همان: ۶۸۰؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۷: ۳۳)

- *مختارنامه* (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۴۶)

پیروزه دگر باشد و پیروز دگر بر بسته دگر باشد و بر بسته دگر^۷
(همان: ۵۴۶؛ عطار نیشابوری، ۱۳۵۸: ۱۸۵)

- *مصیبت نامه* (همان: ۵۹۰)

ترک دنیا گوی تا دینت بود ترک آن می گوی تا اینت بود^۸
(همان: ۵۹۰؛ عطار نیشابوری، ۱۳۸۶: ۲۷۰)

ج) آثار نظامی گنجه ای

- *لیلی و مجنون* (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۴۹۲، ۴۹۸، ۵۱۰، ۵۸۴ و ۵۹۲)

چشم که رسید بر جمالت؟
نفرین که داد گوش‌مالت؟^۹
(همان: ۵۹۲؛ نظامی گنجه‌ای، ۱۳۹۰: ۸۶)

- خسرو و شیرین (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۱۱، ۵۷۱ و ۶۶۰)

خدایا هرچه رفت از سهوکاری
بیامرزم که تو آمرزگاری^{۱۰}
(همان: ۵۷۱؛ نظامی گنجه‌ای، ۱۳۸۳: ۴۵۹)

- مخزن‌الاسرار (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۰۵ و ۶۱۱)

ای به ازل بوده و نابوده ما
وای به ابد زنده و فرسوده ما
(همان: ۵۹۲؛ نظامی گنجه‌ای، ۱۳۸۴: ۶۱۱)

(د) دیوان شیخ امین‌الدین بلیانی (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۶۰۴، ۶۸۹-۶۹۰)

عروس مخزن جان لا اله الا الله
ندیم خوش نفسان لا اله الا الله
(همان: ۶۰۴؛ بلیانی، ۱۳۸۷: ۲۲۷)

گمان می‌رود بیت بالا مربوط به یکی از قصاید طولانی شیخ امین‌الدین بلیانی با ردیف
لااله الا الله باشد که دو بیت ابتدای آن چنین است:

نگارخانه جان، لا اله الا الله
لغزگشای جهان، لا اله الا الله
عدم‌نمای وجود و وجودبخش عدم
ندیم خوش نفسان، لا اله الا الله

ابیات دیگری نیز از سروده‌های شیخ امین‌الدین در *انوار* وجود دارد که در مقایسه با دیوان دارای جابه‌جایی در مصراع‌ها و تفاوت‌هایی در کلمات است (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۶۸۹-۶۹۰؛ بلیانی، ۱۳۸۷: ۲۱۷-۲۱۸). این احتمال وجود دارد که چون محمود بن عثمان مرید خاص شیخ امین‌الدین بلیانی بوده و اشعار او را از زبان خودش شنیده، صحت گفتارش بیشتر باشد؛ اما از آنجا که تاریخ کتابت نسخه خطی *دیوان امین‌الدین بلیانی* که در کتابخانه پاریس موجود است، مربوط به سال ۷۸۶ هـ ق و در مقایسه با *انوار* موجود در ایاصوفیه که تاریخ کتابت آن ۸۲۶ هـ ق است، قدمت بیشتری دارد، ممکن است از صحت بیشتری برخوردار باشد. همچنین با توجه به وجود اختلاف‌های زیاد در اشعاری که از شعرای مختلف توسط محمود بن عثمان در هر سه سیرت‌نامه آمده، با دیوان آن شعرا،

به نظر می‌رسد او بدون مراجعه به آثار شعرا و با یاری حافظه، اشعاری را از شعرای مختلف در کتب خود آورده و در جایی که حافظه یاری نکرده، به کمک قریحه شاعری اش کلماتی را معادل واژه‌های اصلی به کار برده یا حتی مصراع‌ی را تغییر داده است که پیش‌تر در همین بخش به این تغییرات اشاره شد.

۳. اشعار موجود در مفتاح الهدایه و مصباح العنایه

بیشتر اشعار به کاررفته در مفتاح، متعلق به شیخ امین‌الدین بلیانی است (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۸۲، ۹۵، ۱۴۸، ۱۵۳-۱۵۴؛ بلیانی، ۱۳۸۷: ۶۹، ۲۰۸، ۲۴۶-۲۴۷).

در حجابی تو هم ز هستی خویش ورنه آن ماه نونه پنهان است
با وجود تو مشکل است این راه گر نمایی تو سخت آسان است
(محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۹۵؛ بلیانی،
۱۳۸۷: ۶۹)

برخی ابیات نیز به‌عنوان ترجمه‌ای منظوم پس از برخی احادیث، ابیات یا عبارات عربی آمده که گمان می‌رود سروده محمود بن عثمان باشد (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۹۲، ۱۲۰ و ۱۳۴).

اغْتَمَّ الْفُرْصَةَ تَمَّرَ مَرَّ السَّحَابِ. بیت:

غنیمت دان درین دم فرصت خویش که فرصت همچو ابر اندر گذار است
(همان: ۱۳۴)

در مفتاح، از سراینندگان پارسی‌گوی نیز استفاده شده است که البته بسامد این ابیات بسیار اندک است. این اشعار، سروده شعرا و شعری چون انوری (همان: ۸۸، ۱۲۵)، سیف‌الدین باخرزی (همان: ۱۳۴)، ابن‌یمین (همان: ۹۲)، عطار (همان: ۹۴)، سنایی (همان: ۱۰۳) و اوحدالدین کرمانی (همان: ۸۹) است.

شیخ - قدس‌الله روحه - گفت: سیف‌الدین باخرزی - رحمه‌الله علیه - درین باب فرموده است، بیت:

من گم شده جوین توام کوی به کوی اشکم ز غمت روان شده جوی به جوی

با صبر موافقت کنم پشت به پشت باشد که شبی باز نهم روی به روی
(همان: ۱۱۷)

۲. بررسی برخی مضامین مشترک در فردوس المرشديه، انوار المرشديه و مفتاح الهدایه

الف) ترک دنیا و بی‌اعتنایی به آن

شیخ مرشد می‌گوید: «مثل دل آن کس که در جوانی درین کار آید و هنوز به دوستی دنیا و جاه و مال و فرزند فتنه نشده باشد، مثل کاغذ سفید است که خواهد که قرآن بر آن بنویسد، زود بتوان نبشت؛ و مثل دل آن کس که قوت جوانی از وی فوت شده باشد، به مرادات و نعمات و تعلقات این جهانی مثل کاغذی بود که حساب دنیا بر آن نبشته بود؛ اگر خواهد که قرآن بر آن بنویسد مشکل بود؛ زیرا که حرفی دیگر در آن قرار گرفته است» (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۶۹).

به عقیده شیخ‌الاسلام نیز انقطاع از دنیا و مسائل دنیوی و افزایش عبادات و طاعات، راه وصول به حق را هموار می‌سازد (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۳۵). او در جایی دیگر می‌گوید: «تا مرد از دوستی دنیا آزاد نگردد، دل او حاضر اسرار نخواهد شد» (همان: ۳۶).

ب) توجه به سماع

منظور از سماع در فردوس، برپایی مراسم و داشتن آدابی خاص نیست؛ بلکه بیشتر خواندن و شنیدن شعری تحت تأثیر حالی خوش است. این حال ممکن است بر اثر دیدن صنع الهی پدید آید؛ مانند حال خوشی که هنگام رفتن به صحرا در فصل بهار برای اصحاب شیخ مرشد ایجاد شد (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۷۲). گاهی شیخ مرشد با شنیدن ابیاتی عرفانی به سماع مشغول می‌شد و بر اثر جاذبه الهی می‌گریست و خرقة از تن به‌در می‌آورد (همان: ۳۶۶). در انوار به پاره کردن خرقة‌ها هنگام سماع نیز اشاره می‌شود (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۶۴۰-۶۴۱).

شیخ امین‌الدین بلیانی در باب هفتم مفتاح به اصحاب خلوت و مراقبه سفارش می‌کند (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۳۳-۳۴). وی سماع را موجب ترویج و شادی می‌داند؛ اما عقیده

دارد کسانی که در خدمت پروردگار به سر می‌برند، «خود در عین ترویج و روح و راحت‌اند، چه محتاج سماع است (همان: ۳۴). شیخ به مسائل اجتماعی و اخلاقی بسیار اهمیت می‌داد و هنگامی که محمود بن عثمان بنا به درخواست مریدان برای کسب اجازه سماع نزد وی رفت، شیخ گفت: «برو اصحاب را از ما سلام برسان و بگوی که اجازت سماع کردن نیست که در میان خلق پریشانی و تفرقه بسیار هست. روا نباشد که به سماع مشغول شویم» (همان: ۵۲-۵۳).

ج) توجه به ذکر

اهمیت ذکر در فردوس چنان است که محمود بن عثمان از قول مادر شیخ، ذکر گفتن شیخ مرشد را در شکم مادر بیان می‌کند (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۲). از وصایای شیخ مرشد به مریدان این است که وقت سحر برخیزید و پنج رکعت نماز کنید. پس مشغول شوید به قرآن خواندن و تلقین حفظ کردن و ذکر گفتن» (همان: ۳۱۴). شیخ مرشد به حضور دل هنگام ذکر، تأکید فراوان می‌کرد و ذکر بی حضور قلب و بی تفکر را بی‌فایده می‌دانست (همان: ۴۲۲).

توجه شیخ امین‌الدین بلیانی نیز به گفتن ذکر به حدی است که محمود بن عثمان دو باب از پانزده باب مفتاح یعنی باب‌های چهارم و پانزدهم را به این موضوع اختصاص داده است. در دیوان شیخ امین‌الدین سه قصیده طولانی با ردیف لا اله الا الله وجود دارد که حاکی از علاقه وافر او به ذکر، به ویژه این ذکر شریف است (بلیانی، ۱۳۸۷: ۲۲۲-۲۳۶). امین‌الدین ذکر لا اله الا الله را از ارکان خلوت و شرط اصلی ذکر را ترک دنیا دانسته و ذوق ذکر را نتیجه حضور قلب خواننده است (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۳۶).

د) حلال بودن طعام

شیخ مرشد بر استفاده نکردن از طعام شبهه‌ناک تأکید فراوان داشت (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۹۹-۱۰۰)، استفاده از مال حرام را نهی می‌کرد (همان: ۳۳۹) و رستگاری را در کسب حلال می‌دانست (همان: ۳۲۱).

۱۴۶ / معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت‌نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم

شیخ الاسلام نیز مریدان را به کم خوردن سفارش می‌کرد و می‌گفت: «چون در این زمانه که ما مییم، قوت حلال دست نمی‌دهد، قطعاً هیچ چاره‌ای نیست الا که کم خوردن» (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۲۸).

۳. جایگاه زن در فردوس‌المرشدیه، انوار‌المرشدیه و مفتاح‌الهدایه

اگرچه جایگاه زن از بسیاری جهات، پس از پیامبر اکرم (ص) روبه‌نزول رفته بود، زنان در تصوف اسلامی، نقشی بسیار مهم داشتند (شیمل، ۱۳۷۹: ۴۱). در تألیفات محمود بن عثمان نیز نقش و جایگاه زن و مادر به‌خوبی نمایان است. زهد، قرین ترس از بازدارنده‌ها از خداوند است. زاهدان ترسان همه چیز از جمله زن را عاملی بازدارنده از خدا می‌پنداشتند (حسینی، ۱۳۸۵: ۷۸). ابواسحاق کازرونی نیز عارفی بود زاهد و اهل ریاضت که درباره زنان عقیده خوبی نداشت و از همسرگزینی و صحبت با زنان در تمام عمر خودداری کرد. در فردوس‌المرشدیه و انوار‌المرشدیه از زبان او نقل شده است که «اگر پیش من زنی از اسطونی تفاوت بودی، نکاح کردمی» (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۶؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۴۹) یا «پیش من چه زنی است و چه دیواری و اگر چنین نبودی زن کردمی» (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۳۲۷). او به‌دلیل ترس از گناه، حتی از هم‌صحبتی با پیرزنان دوری می‌جست؛ برای مثال، هنگامی که پیرزنی از راه دور برای دیدارش به کازرون آمد و خواست در خلوت برای پرسیدن مسئله‌ای او را ببیند، شیخ مرشد گفت: «هم آنجا که هستی باش و به خلوت با من حاضر مباش که شیطان زنده است و نه مرده است» (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۷۳). البته به‌نظر می‌رسد عقیده منفی شیخ درباره زنان نسبی است و بیشتر به‌دلیل زهد بسیار او و دوری از گناه است؛ چراکه با وجود داشتن این عقاید، نام چند زن عارف در میان مریدانش به چشم می‌خورد و درباره یکی از آنها می‌گوید: «حشر او با اولیا خواهد بود» (همان: ۴۰۱) و در حق دو تن دیگر می‌گوید: «این دو عقیفه از اهل بهشت‌اند» (همان: ۴۰۱). همچنین درج نام زنان به‌عنوان مریدان شیخ مرشد و بیان فضایل آنها نشان‌دهنده ارزشی است که محمود بن عثمان برای زن قائل است. او در باب سی و چهارم (در ذکر اسامی خلفا و اصحاب شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز) می‌گوید: «دیگر از

ایشان چهار عابدۀ عارفۀ صالحه بوده است: اول والدۀ محمد کازرونی بود و روز و شب مستغرق احوال خود و از ذکر و فکر یک ساعت نپرداختی و مستجاب الدعوه بود و حافظ قرآن، و مال و ملک بی شمار در پای شیخ درباخت و شیخ در حق وی فرمود که حشر او با اولیا خواهد بود، رحمة الله علیها. دوم سستی کارزیاتی بود و او ولیه ی بود و زر و مال و غلام داشت. همه درباخت و صاحب مروت بود و مریدۀ شیخ بود و در کارزیات خانقاهی بساخت و خدمت درویشان می کرد و هم در آنجا وفات یافت، رحمة الله علیها. دو تن دیگر از دشت بارین بودند: یکی بنت طیبه رحمة الله علیها و دیگر خدیجه و ایشان هر دو صالحه و عارفه و صائم الدهر و قایم اللیل و صاحب کرامات بوده اند و شیخ مرشد قدس الله روحه العزیز در حق ایشان گفته است که این دو عقیفه از اهل بهشت اند. و ایشان هر دو در دشت بارین وفات کردند، رحمة الله علیهما» (همان: ۴۰۱).

در باب نخست هر سه کتاب، مادران مشایخ به طور کامل معرفی می شوند. محمود بن عثمان در فردوس و انوار می گوید: «و نام مادر شیخ بانویه بنت مهدی بود و او از قریۀ سفلی بود (همان: ۱۲؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۴۷۷)؛ و در مفتاح الہدایہ می گوید: «و مادر شیخ الاسلام از کازرون بود. دختر زاهد عزالله بود و شیخ علی - قدس الله سره - او را مادر مؤمنان خواندی» (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶). توجه محمود بن عثمان به ارزش زنان به ویژه در معرفی مادر شیخ امین الدین بلیانی به وضوح دیده می شود.

در باب نخست هر سه کتاب، از زبان مادران مشایخ، کرامتی از فرزند متولد نشده یا تازه ولادت یافته بیان می شود و این نشان دهنده ارزشی است که محمود بن عثمان برای زن قائل می شود. مادر شیخ مرشد در فردوس و نیز در انوار می گوید: «شیخ در شکم من شش ماهه بود که ذکر گفتم، چنانکه آواز ذکر وی می شنفتم و چون وقت زادن وی بود کسانی که پیش من نشسته بودند، آواز ذکر وی می شنفتند» (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۲؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۴۷۳). محمود بن عثمان در مفتاح العنایہ نیز کرامت پیش از ولادت شیخ امین الدین بلیانی را از زبان مادر وی نقل می کند که گفته بود قبل از اینکه شیخ را باردار باشد، در فقر به سر می بردند و همسرش، شیخ علی، او را به نعمت و روزی بسیار پس از ولادت فرزندشان امید داد. مادر شیخ گفت: «هم در آن روز که شیخ - قدس الله روحه -

به وجود آمد، آثار نعمت و دولت در خانه ما ظاهر شد، از برکات شیخ (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶).

محمود بن عثمان، کرامتی از نوع دیدن آینده در خواب به عمه شیخ امین‌الدین نسبت می‌دهد. عمه شیخ در زمان بارداری مادر وی شبی به واقعه دید در صحرائی بسیار بزرگ، شخصی نورانی بر منبری بزرگ برای جماعتی بی‌شمار وعظ می‌کرد و به او گفتند این برادرزاده تو و جانشین رسول خدا (ص) است (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶).

درباره کرامت شیخ مرشد در باب دوم فردوس و انوار حکایتی آمده که نشان‌دهنده بزرگ‌منشی و خردمندی مادر است. حکایت این است که در زمان قحطی، روزی استاد مکتب‌خانه‌ای که شیخ به آنجا می‌رفت، از او خواست که از پدرش مقداری گندم برایش بگیرد. شیخ موضوع را با مادر در میان گذاشت و مادر به او وعده داد که شب‌هنگام با پدر صحبت خواهد کرد و از او گندم خواهد گرفت. شب مادر ماجرا را برای پدر تعریف کرد؛ اما پدر شیخ توان تهیه گندم را برای استاد نداشت. در اینجا محمود بن عثمان مهربانی مادر با فرزند را به تصویر می‌کشد و می‌گوید: «مادر شیخ همه شب در این اندیشه بود که فردا چه بسازم که تسلی خاطر شیخ باشد. صبح زود کیسه‌ای پر از خاک را سربسته در گوشه خانه گذاشت و به فرزند گفت این کیسه گندم است که پدرت قرار است آن را به آسیا ببرد و برای استاد آرد تهیه کند و آن‌گاه خود برای گرفتن گندم به خانه همسایه رفت. شیخ برای دیدن گندم سر کیسه را گشود و پس از بازگشت مادر به او گفت گندم برای استاد بهتر است (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۵؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۴۷۷). در این حکایت، مادر شیخ تبدیل خاک به گندم را به دلیل دولت و نیک‌بختی شیخ می‌داند؛ اما می‌توان گفت محمود بن عثمان با ذکر این حکایت، علاوه بر بیان کرامت شیخ مرشد در کودکی، کرامت مادر شیخ را نیز نشان می‌دهد؛ زیرا خاک به دست مادر در کیسه ریخته شده بود و ممکن است مهر مادرانه او که تحمل دیدن شرم فرزند را در برابر استاد نداشت، دلیل وقوع این امر باشد. در باب دوازدهم *مفتاح الهدایه* نیز حکایتی مبنی بر سخاوت و مهربانی مادر وجود دارد. محمود بن عثمان از قول شیخ امین‌الدین بلیانی می‌گوید: «چون اشارت از حضرت شیخ مرشد - قدس الله روحه العزیز - رسید که آن تل می‌باید بر

می داشت که آنجا سقایه کرده شود، مرا آن مقدار نبود که یک کلنگ و یک بیل بخریدمی. برفتم به پیش والده و احوال با وی بگفتم. او را دستینه‌ای از نقره که بود، بداد. بدادم تا بفروختند و دو عدد کلنگ و بیل بخریدند» (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۱۶۶).

محمود بن عثمان در باب دهم *مفتاح الهدایه* و *مصباح العنایه* (باب نصایح) از رابعه چنین سخن می گوید: «شیخ قدس الله روحه گفت: رابعه را - رحمة الله علیها - پرسیدند که بنده به مقام رضا کی برسد؟ فقالت: إذا سرتُهُ المصیبةُ كما سرتُهُ النعمةُ. گفت: آن زمانی که شادی نماید در مصیبت، چنان که شادی می نماید در نعمت (همان: ۱۲۹). در باب دهم *مفتاح*، زلیخا به یوسف می گوید: «به درستی که شهوت، پادشاهان را می گرداند بندگان همچون من و به درستی که صبر کردن از شهوت و تقوا نگاه داشتن، بندگان را پادشاه می گرداند همچون تو» (همان: ۱۲۲). هر چند زلیخا در حکایت مذکور مظهر شهوت است، محمود بن عثمان سخن حکیمانه ای را از زبان او بیان می کند.

مفتاح، گزیده *جواهرالامینیه* است که نسخه ای از آن در دست نیست. ممکن است باب مربوط به اسامی اصحاب مانند *فردوس المرشدیه* در *جواهرالامینیه* آمده و در آن اسامی زنان ذکر شده باشد.

۴. بررسی کرامات در *فردوس المرشدیه*، *انوار المرشدیه* و *مفتاح الهدایه*

باب بیست و دوم *فردوس*، باب شانزدهم *انوار* و باب نهم *مفتاح*، در بردارنده حکایاتی در بیان کرامات شیخ مرشد و شیخ الاسلام است. از دیدگاه شفیعی کدکنی، کرامات را می توان به دو مقوله معنوی و مادی طبقه بندی کرد. کرامات معنوی، آنهایی هستند که در دنیای ذهن و روح اتفاق می افتند و کرامات مادی، کراماتی که دارای نوعی خرق عادت اند، در قوانین فیزیکی جهان تغییر ایجاد می کنند یا امری را که به طور طبیعی امکان پذیر نبوده، ممکن می سازند (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۱۴، ۳۳۰). می توان کرامات را بر اساس میزان اقتناع، به دو گروه کرامات باورپذیر و کرامات ناممکن و انکارشونده تقسیم کرد. یکی از مهم ترین مواردی که در میزان اقتناع و باور مخاطب پس از شنیدن کرامت تأثیر دارد، روش بلاغت نویسنده در بیان کرامت است. شفیعی کدکنی می گوید: «می توان

۱۵۰ / معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت‌نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم

یک تجربه واحد را در دو نوع گزاره، چنان متفاوت دید که یکی از مظاهر صدق تلقی شود و دیگری از مظاهر کذب» و بنابراین، «زبان پلی است برای عبور به سوی ناممکن» (همان: ۳۱۵). از موارد مهم دیگری که میزان اقناع کرامات تا حد زیادی به آن وابسته است، جهت بیان کرامت است (همان: ۳۲۳، ۳۲۵) و جهت بیان کرامت، هدف اصلی آن را نشان می‌دهد.

بیشترین تعداد کرامت در هر سه کتاب، مربوط به کرامات معنوی است و این کرامات، فراست‌های دو شیخ مورد بحث را بازگو می‌کند.

انواع فراست در فردوس المرشديه، انوار المرشديه و مفتاح الهدايه

الف) آگاهی از آنچه پیش‌تر یا در جایی دیگر در غیاب شیخ روی داده است (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۱، ۱۴۷، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۴، ۱۷۵؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۰ و ۵۵۰؛ محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۴۸، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۶، ۵۸، ۵۹، ۶۲، ۶۳، ۶۴ و ۶۵)

ب) فراست یا ذهن خوانی (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۷۳ و ۱۷۴؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۴۵ و ۵۴۹؛ محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۵۳، ۵۸، ۶۰، ۶۱، ۶۷ و ۶۸)

ج) آگاهی از اسرار باطن (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۸ و ۱۶۹؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۴۹، ۵۵۵؛ محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۵۲، ۵۶، ۶۲، ۶۸، ۶۹ و ۷۰)

د) پیشگویی (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۶۸ و ۱۷۹؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۴ و ۵۵۷؛ محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶۵ و ۶۶)

انواع کرامت مادی در فردوس المرشديه، انوار المرشديه و مفتاح الهدايه

الف) ارتباط با حیوانات و اشیا (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۵ و ۱۶۹؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۶، ۵۵۸ و ۵۵۹؛ محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۵۹)

ب) استجابت دعا برای باریدن باران (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۸ و ۱۷۵-۱۷۷؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۱؛ محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۵۷)

ج) استجابت دعا برای شفای بیمار (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۷ و ۱۷۳؛ محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶۷)

د) مؤثر بودن نفرین و دشنام (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۶۰؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۴)

جهت کرامت در فردوس المرشديه، انوار المرشديه و مفتاح الهدايه

همان طور که پیش تر اشاره شد، علاوه بر نوع بلاغت به کاررفته در متن، چگونگی جهت کرامات نیز از اصول مهم برای تحلیل کرامات از نظر میزان اقناع و دریافت نگرش شیخ به مسائل مختلف است.

جهت های مشترک کرامات در فردوس المرشديه، انوار المرشديه و مفتاح الهدايه

الف) بیان یاری رسان بودن شیخ به مریدان و درویشان (ظاهری و غیبی)

هشت حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۱، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۵، ۱۶۱، ۱۶۴، ۱۶۹، ۱۷۴)، یک حکایت از انوار (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۰) و پنج حکایت از مفتاح (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۵۲، ۵۵، ۵۹، ۶۰، ۶۳، ۶۴ و ۶۵) به بیان یاری رسان بودن شیخ، به مریدان و درویشان اختصاص دارد.

ب) بیان یاری رسانی شیخ به دیگران به ویژه بیماران با دعا

هشت حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۸، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۷، ۱۷۳، ۱۷۶ و ۱۷۷) و چهار حکایت از مفتاح (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۶۶ و ۶۷) به بیان یاری رسانی شیخ به دیگران به ویژه بیماران با دعا اختصاص دارد.

۱۵۲ / معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت‌نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم

ج) بیان جایگاه والای شیخ نزد خداوند و داشتن ارتباط معنوی عمیق با پروردگار
سه حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۵۲، ۱۶۰، ۱۶۱ و ۱۶۲) و سه حکایت از مفتاح (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۵۳، ۵۴، ۵۷ و ۵۸) به بیان جایگاه والای شیخ نزد خداوند و داشتن ارتباط معنوی عمیق با پروردگار اختصاص دارد.

د) بیان مهربانی شیخ در حق مردمان و حیوانات
پنج حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۵۰-۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۵ و ۱۶۹)، سه حکایت از انوار (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۸-۵۶۰ و ۵۵۶) و سه حکایت از مفتاح (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۵۹، ۶۷-۶۸ و ۷۰-۷۱) به بیان مهربانی شیخ در حق مردمان و حیوانات اختصاص دارد.

ه) بیان ارتباط نزدیک معنوی شیخ با یاران
سه حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۵۱، ۱۶۱، ۱۷۵)، یک حکایت از انوار (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۷ و ۵۵۸) و دو حکایت از مفتاح (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶۵ و ۶۶) به بیان ارتباط نزدیک معنوی شیخ با یاران اختصاص دارد.

و) بیان آگاهی یافتن بداندیشان بر افکار، اعمال و سخنان ناپسندشان توسط شیخ
دو حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۶۲-۱۶۳ و ۱۶۷) و یک حکایت از مفتاح (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶۶-۶۷) به بیان آگاهی یافتن برخی از افراد بر افکار، اعمال و سخنان ناپسندشان توسط شیخ اختصاص دارد.

ز) بیان بی‌تعصبی شیخ درباره مذاهب دیگر
یک حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۵۸)، یک حکایت از انوار (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۱-۵۵۲) و یک حکایت از مفتاح (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶۹-۷۰) به بیان بی‌تعصبی شیخ درباره مذاهب دیگر اختصاص دارد.

ح) تأکید شیخ بر اخلاص در عبادت و دوری از اغراض و ظواهر دنیوی
دو حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۵۸ و ۱۵۹)، دو حکایت از انوار (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۴۸، ۵۴۹ و ۵۵۲) و دو حکایت از مفتاح (محمود

بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶۲ و ۶۳) به بیان تأکید شیخ بر اخلاص در عبادت و دوری از اغراض و ظواهر دنیوی اختصاص دارد.

ط) اثبات تجربه و مقامات معنوی شیخ

یک حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۰) و یک حکایت از انوار (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۴۵) به بیان اثبات تجربه و مقامات معنوی شیخ اختصاص دارد.

ی) بیان تأکید شیخ بر استفاده نکردن از طعام، بی حضور یاران

چهار حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۹، ۱۶۰ و ۱۷۰ - ۱۷۱) و سه حکایت از انوار (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۵۲ - ۵۵۳) به بیان تأکید شیخ بر استفاده نکردن از طعام، بی حضور یاران اختصاص دارد.

ک) بیان تأکید شیخ بر پرهیز از قضاوت نادرست

یک حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۴۵) و یک حکایت از انوار (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۴۸) به بیان تأکید شیخ به پرهیز از قضاوت نادرست اختصاص دارد.

ل) بیان پشیمانی شیخ از دشنام گویی و دعای بد

یک حکایت از فردوس (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۶۰) و یک حکایت از انوار (محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۴) به بیان پشیمانی شیخ از دشنام گویی و دعای بد اختصاص دارد.

جهت‌های مختص فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه

الف) دو حکایت در بیان تأکید شیخ بر حلال بودن مال (همان: ۱۶۳ و ۱۶۴)

ب) دو حکایت در بیان تعصب شیخ در یکتاپرستی (همان: ۱۴۸، ۱۴۹ و ۱۵۰)

ج) یک حکایت در بیان تأکید شیخ بر پرهیز از توبه شکستن (همان: ۱۴۹ و ۱۵۰).

د) یک حکایت در بیان پرهیز شیخ از مصاحبت با نامحرم (همان: ۱۷۳ و ۱۷۴)

ه) یک حکایت در بیان تأکید شیخ بر انجام ندادن کار بیهوده (همان: ۱۷۴)

و) یک حکایت در بیان محترم شمردن افراد به ظاهر حقیر (همان: ۱۷۷ - ۱۷۹)

جهت مختص مفتاح الهدایه و مصباح العنایه

هشت حکایت از مفتاح، به بیان توجه شیخ به احوال مریدان و حفاظت غیبی از آنان اختصاص دارد (محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۸، ۵۹ و ۶۲).

پس از بررسی حکایت‌های مربوط به کرامات شیخ در آثار محمود بن عثمان مشخص شد که ۷۰ درصد از حکایات مربوط به کرامت شیخ در فردوس، ۷۵ درصد در انوار و ۸۲ درصد در مفتاح، مربوط به کرامات معنوی است. بلاغت محمود بن عثمان در بیان حکایات هر سه کتاب به گونه‌ای است که بیشتر داستان‌ها را برای خواننده باورپذیر می‌کند. حکایات مفتاح که محمود بن عثمان نقش خود را در آن به عنوان مؤلف ایفا می‌کند، در مقایسه با فردوس که اقتباس و ترجمه‌ای است از سیرت‌نامه عربی شیخ مرشد تألیف خطیب امام ابوبکر، به واقعیت نزدیک‌تر است و خرق عادت، اغراق و حالت افسانه‌وار کمتری دارد، کرامات معنوی آن، درصد بیشتری از کل کرامات را به خود اختصاص داده است و بیشتر، فضایل اخلاقی شیخ را بیان می‌کند. این موضوع، نشان‌دهنده واقع‌بینی و خردمندی بیشتر محمود بن عثمان در مقایسه با خطیب امام ابوبکر است. به‌طور کلی، برخلاف حکایات برخی سیرت‌نامه‌ها مانند مقامات شیخ جام که کرامات مادی از نوع خرق عادت، نسبت‌دادن اعمال دور از ذهن به شیخ و حتی بیان تأثیر نفرین‌های شیخ برای تسلی خاطر اوست، حکایات سیره‌های نوشته‌شده توسط محمود بن عثمان، بیشتر نمایانگر فراست شیخ مرشد و شیخ‌الاسلام هستند. بیشتر جهت‌های حکایات میان سیرت‌نامه‌ها مشترک است. حکایات با اهداف مثبت بیان می‌شوند و جنبه اخلاقی و آموزشی دارند. از میان سیرت‌نامه‌های محمود بن عثمان، تنها در یک حکایت از فردوس و یک حکایت از انوار، به مؤثر بودن نفرین شیخ مرشد اشاره شده است که هدف نقل آن مانند مناقب شیخ جام، انتقام‌گیری و ترساندن و تسلی خاطر شیخ نیست؛ بلکه پشیمانی شیخ مرشد را از دشنام‌گویی و دعای بد مطرح می‌کند (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۶۰؛ محمود بن عثمان، ۱۳۵۸: ۵۵۴). در فردوس، دو حکایت و در مفتاح یک حکایت مبنی بر بیمارشدن کسی که در برابر شیخ، رفتار یا گفتار ناپسندی نشان داده است، وجود دارد که البته در هیچ‌یک از آن‌ها بیمارشدن بر اثر نفرین شیخ و برای انتقام‌گیری یا آرامش خاطر او صورت نمی‌گیرد؛

بلکه این حکایات، در جهت آگاه کردن افراد بر افکار و اعمال ناپسندشان روایت می‌شوند. در تمام این حکایات، افراد مذکور با دعای شیخ شفا می‌یابند و توبه می‌کنند (محمود بن عثمان، ۱۳۳۳: ۱۶۲، ۱۶۳ و ۱۶۷؛ محمود بن عثمان، ۱۳۷۶: ۶۶-۶۷).

نتیجه‌گیری

پس از معرفی سه کتاب *فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه*، *انوار المرشدیه فی اسرار الصمدیه* و *مفتاح الهدایه و مصباح العنایه*، بیان شرح حال شیخ ابواسحاق کازرونی، شیخ امین‌الدین بلیانی، خطیب امام ابوبکر و محمود بن عثمان، بیان ارتباط میان محمود بن عثمان با شیخ امین‌الدین و نیز پس از بررسی شیوه سیره‌نویسی محمود بن عثمان و مقایسه تطبیقی سه سیرت‌نامه نوشته‌شده توسط او، یعنی بررسی و مقایسه چگونگی سبک و روش، نام‌گذاری و ترتیب ابواب، استفاده از اشعار، عقاید عرفای مورد بحث و مضامین مشترک، انواع کرامات و جهت بیان کرامات، مشخص شد آثار محمود بن عثمان در تمام موارد ذکر شده وجوه اشتراک زیادی با یکدیگر دارند. هر سه کتاب، دارای نثری ساده و بی‌تکلف و نزدیک به نثر بینابین هستند که البته تأثیرپذیری *فردوس المرشدیه* که ترجمه و اقتباسی است از سیرت‌نامه‌ای عربی، از دو کتاب دیگر بیشتر است. در هر سه اثر، از اشعار عربی و فارسی استفاده شده است. در *فردوس المرشدیه*، بیشتر از اشعار عربی و در *انوار المرشدیه* و *مفتاح الهدایه*، بیشتر از اشعار فارسی استفاده شده است. پس از بررسی اشعار این سه سیرت‌نامه و جست‌وجو برای یافتن شعرایی که شعرشان در این کتب آمده، به نظر می‌رسد ترجمه منظوم ابیات عربی یا کازرونی در هر سه کتاب، به دلیل وجود واژه «معنی» یا «فارسی» پیش از آن‌ها و نیز با توجه به شباهت سبکی متن با ابیات، سروده محمود بن عثمان باشند. در *فردوس المرشدیه*، از ابیات فارسی اندکی استفاده شده که متعلق به عطار، سنایی و سعدی است. اشعار موجود در *انوار المرشدیه* به ترتیب بسامد، سروده سعدی شیرازی، عطار نیشابوری، نظامی و شیخ امین‌الدین بلیانی است. استفاده فراوان محمود بن عثمان از آثار سعدی در این کتاب و نیز قراردادن نام سعدی در *شلال‌الانوار فی حطال‌الوزار عن زوار المزار* و ترجمه فارسی آن *تذکره هزار مزار* که سعدی را به عنوان یکی

۱۵۶ / معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت‌نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم

از افاضل صوفیه معرفی می‌کنند، بیانگر جایگاه والای سعدی در میان عرفای آن زمان است (شیرازی، ۱۳۶۴: ۴۴۷-۴۴۸). بیشتر اشعار *مفتاح‌الهدایه* نیز متعلق به شیخ امین‌الدین بلیانی است و محمود بن عثمان به تعداد انگشت‌شمار از چند شاعر پارسی‌گوی مانند انوری، عطار، سنایی و... در این کتاب استفاده کرده است. استفاده فراوان محمود بن عثمان از اشعار شیخ امین‌الدین بلیانی در کتابی که احوال، اقوال و کرامات همان شیخ بیان می‌شود، به شیوه سیره‌نویسی او ارزش بیشتری می‌بخشد.

بیشتر ابواب آثار محمود بن عثمان و عناوین آن‌ها با یکدیگر مشترک است. وجود شش باب مستقل در *فردوس‌المرشدیه* درباره احادیث پیغمبر (ص) نشان‌دهنده توجه ابواسحاق کازرونی به حدیث و اختصاص داشتن دو باب مستقل در *مفتاح‌الهدایه* به ذکر، نمایانگر علاقه و اهمیتی است که امین‌الدین بلیانی برای ذکر قائل است.

زن و مادر در تمام سیرت‌نامه‌ها جایگاه والایی دارند. رفتار خردمندان، بزرگ‌منشانه و سخاوتمندانه‌ای به مادران شیخ مرشد و شیخ الاسلام نسبت داده شده است. چند تن از مریدان شیخ مرشد زنان بودند و نزد شیخ ارزش و احترام ویژه‌ای داشتند. در *مفتاح‌الهدایه* نیز از زبان زنان سخنان حکیمانه‌ای نقل شده است.

در هر سه کتاب محمود بن عثمان، کرامت‌های معنوی درصد بیشتری را نسبت به کل کرامات دارد و بلاغت وی در بیان حکایات به گونه‌ای است که بیشتر داستان‌ها را برای خواننده باورپذیر می‌کند. حکایات *مفتاح*، تألیف محمود بن عثمان، در مقایسه با *فردوس* که اقتباس و ترجمه‌ای است از *سیرت‌نامه عربی شیخ مرشد* تألیف خطیب امام ابوبکر، به دلیل واقع‌بینی و خردمندی بیشتر وی در مقایسه با امام ابوبکر، به واقعیت نزدیک‌تر است، درصد کرامات معنوی آن از *فردوس* و *انوار* بیشتر است و به بیان فضایل اخلاقی شیخ می‌پردازد. به طور کلی، برخلاف حکایات برخی سیرت‌نامه‌ها مانند *مقامات شیخ جام* که کرامات مادی از نوع خرق عادت، نسبت دادن اعمال دور از ذهن به شیخ و حتی بیان تأثیر نفرین‌های شیخ برای تسلی خاطر اوست. حکایات سیره‌های نوشته‌شده توسط محمود بن عثمان، بیشتر نمایانگر فراست شیخ مرشد و شیخ الاسلام هستند. جهت‌های بیشتر

حکایات میان سیرت‌نامه‌ها مشترک است، حکایات با اهداف مثبت بیان می‌شوند و جنبه اخلاقی و آموزشی دارند.

پی‌نوشت‌ها

۱. در بوستان مصراع نخست بیت دوم چنین است: «چو هر گوشه تیر نیاز افگنی»
۲. در گلستان مصراع دوم بیت چنین است: «چه فرق از آدمی تا نقش دیوار»
۳. بیت در منطق الطیر چنین است: «از توگر انصاف آید در وجود به که عمری در رکوع و در سجود»
۴. در دیوان مصراع دوم بیت چنین است: «ملک دو عالم به یک آهت دهند»
۵. در اسرارنامه مصراع دوم بیت چنین است: «وگر پالوده‌ای، آسوده گردی»
۶. در الهی‌نامه مصراع دوم بیت چنین است: «در آن یک دم همه عالم بگیری»
۷. بیت در مختارنامه چنین است: «برسته دگر باشد و برسته دگر این طرفه که بر دستۀ تو بسته بود»
۸. بیت در مصیبت‌نامه چنین است: «ترک دنیا گیر تا دینت بود آن بده از دست تا اینت بود»
۹. در لیلی و مجنون مصراع نخست بیت چنین است: «چشم که رسید در جمالت؟»
۱۰. در خسرو و شیرین مصراع دوم بیت چنین است: «بیامرز از کرم کامرز گاری»

منابع

- بلیانی، شیخ امین‌الدین محمد. (۱۳۸۷). *دیوان اشعار*. تصحیح کاووس حسن‌لی و محمد برکت. فرهنگستان هنر. تهران.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان. (۱۳۸۶). *نفحات الانس*. تصحیح محمود عابدی. سخن. تهران.
- جنید شیرازی، معین‌الدین جنید بن محمود. (۱۳۲۸). *شد الازار فی حط الاوزار عن زوار المزار*. تصحیح محمد قزوینی و عباس اقبال آشتیانی. چاپخانه مجلس. تهران.
- حسینی، مریم. (۱۳۸۵). *نخستین زنان صوفی*. علم. تهران.

- خواجه‌ی کرمانی، ابوالعلا کمال‌الدین. (۱۳۷۰). *گل و نوروز*. تصحیح کمال عینی. مؤسسه مطالعات و تحقیقات. تهران.
- دیلمی، ابوالحسن. (۱۳۶۳). *سیرت شیخ کبیر ابو عبدالله ابن خفیف شیرازی*. ترجمه رکن‌الدین یحیی بن جنید شیرازی. تصحیح شیمل - طاری. به کوشش توفیق سبحانی. بابک. تهران.
- زرکوب شیرازی، ابوالعباس احمد ابن ابی‌الخیر. (۱۳۵۰). *شیرازنامه*. به کوشش اسماعیل واعظ جوادی. بنیاد فرهنگ ایران. تهران.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۹۰). *جستجو در تصوف ایران*. امیرکبیر. تهران.
- سعادت، اسماعیل. (۱۳۸۴). *دانشنامه زبان و ادب فارسی*. ج ۱. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. تهران.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین. (۱۳۵۹). *بوستان*. خوارزمی. تهران.
- سعدی شیرازی، مصلح‌الدین. (۱۳۸۶). *کلیات*. به کوشش محمدعلی فروغی. چ چهاردهم. امیرکبیر. تهران.
- _____ . (۱۳۷۴). *گلستان*. چ چهارم. خوارزمی. تهران.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۲). *زبان شعر در نثر صوفیه*. سخن. تهران.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۰). *سبک‌شناسی نثر*. میترا. تهران.
- حافظ شیرازی، خواجه محمد. (۱۳۶۹). *دیوان حافظ*. تصحیح محمد قزوینی و قاسم غنی. زوار. تهران.
- شیرازی، عیسی بن جنید. (۱۳۶۴). *تذکره هزار مزار*. تصحیح نورانی وصال. کتابخانه احمدی. شیراز.
- شیمل، آن ماری. (۱۳۷۹). *زن در عرفان و تصوف اسلامی*. ترجمه فریده مهدوی دامغانی. مؤسسه نشر تیر. تهران.
- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۸۴). *اسرارنامه*. تصحیح سید صادق گوهرین. به کوشش محمدحسین مجد. زوار. تهران.

- _____ . (۱۳۸۷). *الهی نامه*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. سخن. تهران.
- _____ . (۱۳۴۶). *تذکره الاولیا*. تصحیح میرزا محمدخان قزوینی از روی چاپ نیکلسون. کتابخانه مرکزی. تهران.
- _____ . (۱۳۶۲). *دیوان*. تصحیح تقی تفضلی. علمی و فرهنگی. تهران.
- _____ . (۱۳۵۸). *مختارنامه*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. توس. تهران.
- _____ . (۱۳۸۶). *مصیبت نامه*. تصحیح محمدرضا شفیعی کدکنی. سخن. تهران.
- _____ . (۱۳۷۵). *منطق الطیر*. به کوشش احمد رنجبر. اساطیر. تهران.
- _____ . (۱۳۸۸). *سبک شناسی نثرهای صوفیان*. دانشگاه شهید بهشتی. تهران.
- _____ . (۱۳۸۴). *میراث تصوف*. ترجمه مجالدین کیوانی. مرکز. تهران.
- _____ . (۱۳۳۳). *فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه*. تصحیح فریتز مایر. به کوشش ایرج افشار. طهوری. تهران.
- _____ . (۱۳۵۸). *فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه به انضمام روایت ملخص آن موسوم به انوار المرشدیه فی اسرار الصمدیه*. به کوشش ایرج افشار. انجمن آثار ملی. تهران.
- _____ . (۱۹۴۳). *فردوس المرشدیه فی اسرار الصمدیه*. تصحیح فریتز مایر. معارف. استانبول.
- _____ . (۱۳۷۶). *مفتاح الهدایه و مصباح العنایه*. تصحیح عمادالدین شیخ الحکمایی. روزنه. تهران.
- _____ . (۱۳۸۰). *مفتاح الهدایه و مصباح العنایه*. تصحیح منوچهر مظفریان. فرهنگستان زبان و ادب فارسی. تهران.
- _____ . (۱۳۷۴). *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*. ج ۳. مرکز موسوی بجنوردی، کاظم. *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*. تهران.

۱۶۰ / معرفی تحلیلی و مقایسه سه سیرت‌نامه محمود بن عثمان درباره دو تن از مشایخ معروف فارس در قرن هشتم

- _____ (۱۳۸۵). *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*. ج ۵. مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی. تهران.
- نظامی گنجه‌ای، الیاس بن یوسف. (۱۳۸۳). *خسرو و شیرین*. تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چاپ پنجم. قطره. تهران.
- _____ (۱۳۹۰). *لیلی و مجنون*. تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چاپ یازدهم. قطره. تهران.
- _____ (۱۳۸۴). *مخزن الاسرار*. تصحیح حسن وحید دستگردی. به کوشش سعید حمیدیان. چاپ هشتم. قطره. تهران.
- هجویری، ابوالحسن علی بن عثمان. (۱۳۸۹). *کشف‌المحجوب*. تصحیح محمود عابدی. سروش. تهران.
- هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۸۵). *تذکره ریاض‌العارفین*. تصحیح ابوالقاسم رادفر و گیتا اشیدری. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. تهران.

**An Analytical and Comparative study of three hagiographies of
Mahmoud Ibne Osman about Renowned Fifteenth Century Fars
Mystics: Sheikh Abou Ishaq Kazerouni and Amin Aldin
Balayani¹**

Maryam Rajabi Nia²
Maryam Hoseini³

Received: 2016/01/30
accepted: 2016/06/30

Abstract

In the fifteenth century, three hagiographies were written, translated and summarized by Mahmood Ibn Osman about Renowned Fars Mystics who lived in the twelfth and fifteenth Century (Sheikh Abou Ishaq Kazerouni and Amin Aldin Balayani). Because these hagiographies, Firdous Almorshedieh, Anvar Almorshedieh, and Meftah Alhedayeh, are important and unknown and there is no source, except these three books about the life of their author, and because of Mahmood Ibne Osman's unique style in writing hagiographies: in this article the aspects of these two mystics and their hagiographies, and the relationship between Mahmood Ibne Osman and Abu Ishaq and

¹. DOI: 10.22051/jml.2016.2326

² PhD Condidate, Mystical Literature, Alzahra Universiry (*Corresponding Author*);
m.rajabinia@alzahra.ac.ir

² Professor, Persian Language and Literature, Alzahra Universiry;
drhoseini@alzahra.ac.ir

Biannual Journal of Mystical Literature Alzahra University
Vol.7, No.12, 2015
<http://jml.alzahra.ac.ir/>

Amin Aldin is presented. The comparative style of writing, usage of poems of various poets in hagiographies, common chapters, common ideas and contents, the high position of women, and dignity of hagiographies are studied and discussed. Many similarities are achieved in these books, especially frequent use of spiritual dignity with common and positive goals, which are for example the mystic's lack of bias towards other religions.

Keywords: *Hagiography, Mahmood Ibn Osman, Firdous Almorshedieh, Anvar Almorshedieh, Meftah Alhedayeh.*